

## بسمه تعالی

### تعارض سیاست الزام چاپ مقاله در مجلات خارجی با منافع ملی کشور

از: دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس - اسفند ۱۳۹۰

این مقاله سیاست مزبور را از دید منافع ملی ایران نقد کرده و ضمن بیان تعارض‌ها، پیشنهادهای را برای اصلاح و بهینه‌سازی آن ارائه می‌دهد.

#### ۱- تاریخچه:

اندیشه چاپ مقاله در مجلات خارجی و بین‌المللی توسط اساتید دانشگاه‌ها، برای اولین بار در سال‌های ۷-۱۳۷۶ توسط مسئولین وقت دانشگاه تربیت مدرس، ظاهراً با هدف توسعه مشارکت علمی اساتید در عرصه تولید علم و معرفت بشری، مطرح و به‌عنوان یک سیاست درون دانشگاهی در شرایط ارتقاء اساتید دانشگاه تربیت مدرس لحاظ شد و سپس اجراء گردید. این سیاست به دلیل نفوذ دانشگاه تربیت مدرس در مدیریت وقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به همه دانشگاه‌های کشور تعمیم داده شد، و توسط وزارت مزبور چاپ مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی نمایه شده به عنوان شرط وتوئی برای ارتقاء، در آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کشور گنجانده شد و طی نامه شماره ۱۵/۵۰۱۰/۱۰۷۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۰۹/۰۷ از سوی وزیر علوم جهت اجراء به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید. بر اساس آئین‌نامه مزبور ارتقاء اعضای هیأت علمی کشور موقوف به چاپ مقاله در مجلات نمایه شده بین‌المللی گردید که در آن زمان چنین نمایه‌ای در ایران و یا برای مجلات ایرانی به جز دو یا سه مورد آن هم در حوزه پزشکی و فنی-مهندسی وجود نداشت. ابهام در این زمینه، منجر به استعلام از معاونت پژوهشی وزارت علوم گردید و معاون پژوهشی وقت وزارت علوم در پاسخ اعلام نمود که منظور از مجلات مزبور، مجلاتی هستند که در سایت ISI نمایه (اندیکس) می‌شوند. البته هیأت ممیزه‌های دانشگاه‌ها تصمیم‌های متفاوتی در آغاز کار گرفتند و نمایه‌های دیگری نظیر Scopus را نیز مدنظر قرار دادند.

بدین ترتیب اساتید دانشگاه‌های کشور در پرتو این سیاست برای گرفتن رتبه‌های خود در فرآیند ارتقاء، مجبور شدند مقالات علمی خود را برای انتشار به مجلات خارجی بفرستند و تولیدات علمی خود را روانه خارج از مرزها کنند. (در آئین‌نامه مزبور برای رتبه دانشیاری حداقل یک مقاله و برای رتبه استادی حداقل دو مقاله نمایه شده بین‌المللی الزامی بود و بدون وجود آنها، اساتید دانشگاه‌ها با هر اندازه امتیاز علمی نمی‌توانستند ارتقاء یابند زیرا این موضوع به‌عنوان یک شرط وتوئی در

آئین نامه درج شده بود. به علاوه این مقدار، حداقل بود و برخی هیأت ممیزه‌ها به‌طور سلیقه‌ای و افراطی با چندین مقاله نیز اقیان نمی‌شدند و توقعات بسیار زیادتر را داشتند).

سیاست مزبور منجر به بروز مشکلاتی در روند ارتقاء اساتید دانشگاه‌های کشور شد و اعتراضات زیادی به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی، اقتصادی، ادبیات و هنر را در پی داشت. به دنبال توسعه این اعتراضات و نیز به‌منظور جلوگیری از تبعات منفی این سیاست، مقامات کشور به چاره‌اندیشی پرداختند و شورای انقلاب فرهنگی تأسیس یک پایگاه استنادی و نهاد علم‌سنجی بین‌المللی را به مرکزیت ایران تصویب نمود، که در پی آن پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در کتابخانه منطقه‌ای شیراز تأسیس شد و به بررسی مجلات علمی ایران پرداخت و تعداد زیادی از مجلات علمی ایران را پوشش داده و نمایه کرد و نسبت به تعیین ضریب تأثیر (IF) آنها نیز اقدام نمود که در گزارشات سنواتی آن منعکس می‌باشد. این اقدام تا حدی مشکل پیش آمده را تخفیف داد ولی بدایلی نه تنها مشکل حل نشد بلکه تب و تاب چاپ مقاله در مجلات ISI بالا گرفت و در چارچوب یک سیاست اجباری و الزامی گسترش پیدا کرد. زیرا اولاً برخی دانشگاه‌های معتبر کشور که بعداً از خواب بیدار شدند نه تنها ارتقاء اساتید خود را موکول به این امر کردند بلکه دانشجویان دکتری خود را نیز ملزم به چاپ مقاله از رساله دکتری خود در مجلات خارجی کردند و برخی توقع چاپ دو مقاله ISI را از رساله دانشجوی دکتری خود داشتند. (معلوم نیست بر اساس کدام منطق؟! زیرا رساله دکتری معمولاً به یک نظریه منتهی می‌شود و یک نظریه را فقط می‌توان در یک مقاله منتشر کرد و نه در دو مقاله؟! این حرکت افراطی ممکن است آنها را به این تصمیم برساند که دانشجویان کارشناسی ارشد نیز از پایان‌نامه خود باید یک مقاله ISI چاپ کنند!!).

ثانیاً به تدریج چاپ مقاله ISI به صورت یک ارزش ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرد و به‌صورت ابزار مقایسه در فرآیند رقابت بین دانشگاهی در داخل کشورها و همچنین بین کشورها درآمد، و مزایای رسمی دیگری نیز بر آن حمل شد. این موضوع حتی نظر مقامات سیاسی را به خود جلب کرد بطوریکه در گفتمان سیاسی آنها به‌عنوان شاخص موفقیت و مزیت دانشگاه‌ها و کشورها نمودار گردید. به‌ویژه اینکه مؤسسات نمایه‌کننده مانند ISI (Thomson Reuters web of Science) اقدام به انتشار گزارش‌های سنواتی رتبه‌بندی کشورها از حیث مقالات چاپ شده می‌کردند و این گزارش‌ها به معنی شاخص تولید علم و توان علمی کشور تعبیر و تفسیر می‌شد، بنابراین اغواکننده بود.

## ۲- بررسی ماهیت موضوع:

۲-۱- نمایه کردن (اندیکس) آثار علمی به‌ویژه مقالات مجلات علمی به‌لحاظ رشته‌ای در حوزه علوم کتابداری (یا به تعبیر جدید آن مدیریت دانش) قرار دارد و بلحاظ حرفه‌ای نهادها و مؤسسات زیادی در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی و در سطوح تک رشته‌ای و اختصاصی یا چندرشته‌ای و عمومی مبادرت به این کار می‌نمایند. این امر اساساً لازم، مفید و ارزشمند است و در ضرورت آن تردیدی وجود ندارد.

۲-۲- آنها در پرتو نمایه‌سازی، بررسی‌ها و اقدامات جانبی خود را گسترش داده و نسبت به تعیین ضریب تأثیر<sup>۱</sup> (IF)، تعیین مقالات پراستناد، تعیین نویسندگان پراستناد و بر اساس آن معرفی دانشمندان، رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی، رتبه‌بندی و مقایسه کشورها و نظایر آنرا انجام می‌دهند که تا حد زیادی برای مدیران و کادر دانشگاه‌ها و مراکز علمی و نیز مقامات سیاسی کشورها جذاب، محرک و حساسیت برانگیز است. به‌همین دلیل نمایه‌های علمی به یک ارزش و پدیده ژئوپلیتیکی تبدیل شده و ماهیتی رقابتی و برندساز پیدا کرده‌اند.

۲-۳- وجه آکادمیک و علمی چاپ مقاله و آثار علمی در مجلات و نهادهای بین‌المللی منعکس‌کننده میزان مشارکت علمی کشورها و دانشمندان آن در عرصه تولید علم و معرفت بشری است که از نظر ژئوپلیتیکی شاخص منزلت و جایگاه کشور در سیستم بین‌المللی، البته در بعد علمی و تکنولوژیک است، که یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان اعتبار و نفوذ ژئوپلیتیکی کشور در سیستم‌های جهانی و منطقه‌ای است.

۲-۴- به‌نظر می‌رسد پیش‌فرض طراحان و مجریان ایرانی سیاست اجبار مقاله در مجلات دارای نمایه بین‌المللی، بیش از آن‌که متوجه وجه آکادمیک و نقش‌آفرینی دانشمندان کشور در عرصه تولید علم و معرفت بشری به‌طور طبیعی باشد، متوجه بعد صوری و رقابتی بالا بردن کمیت و ارقام مقاله‌ها باشد که ماهیتی رقابتی داشته و عمدتاً از ارزش سیاسی برخوردار است. زیرا به عنوان ابزار تبلیغاتی مورد استفاده رسانه‌ها و سیاسیون قرار می‌گیرد.

۴-۵- از دید ژئوپلیتیک، کسب برند علمی و تکنولوژیک عام و ارتقاء منزلت و جایگاه علمی کشورها از این حیث در سیستم جهانی، منوط به بهبود همزمان وضعیت ده‌ها متغیر و عامل علمی و تکنولوژیک می‌باشد، که چاپ مقاله در مجلات بین‌المللی فقط یکی از آنهاست. (علاقمندان می‌توانند به کتاب «قدرت و منافع ملی» نوشته دکتر محمدرضا حافظ‌نیا،

---

<sup>1</sup> - Impact Factor

انتشارات انتخابات مراجعه نمایند). بنابراین امید بستن به آمار مقالات چاپ شده و مانور سیاسی بر روی آن تا حد زیادی گمراه‌کننده و فریبنده است و این متغیر به تنهایی نمی‌تواند شاخص پیشرفت علمی یک دانشگاه و یا یک کشور باشد.

۶-۲- افزایش تعداد مقالات علمی ایران در مجلات خارجی و ارزیابی اندیکس‌های بین‌المللی مربوطه، محصول سیاست افراطی و اجبار اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور به چاپ مقاله در مجلات خارجی، و نیز مزایای جانبی آن می‌باشد. زیرا ارتقاء اساتید و صدور مجوز دفاع از رساله‌های دکتری را مشروط به چاپ مقاله در مجلات نمایه‌دار (ISI و غیره) می‌نمایند و اساتید و دانشجویان مجبورند به هر طریقی تأیید پذیرش و یا چاپ مقاله خود را ارائه دهند چون برای آنها جنبه حیاتی دارد. بنابراین افزایش آمار اینگونه مقالات محصول فرآیند و روند طبیعی تولید و گسترش علم در کشور نمی‌باشد. بلکه محصول جبر اداری و سازمانی است. به‌علاوه این امر به بروز دردسر و تضییع حق آنان می‌انجامد و برای مقالات ضعیف و غیرقابل پذیرش نیز تبعات منفی به همراه دارد. نظیر ظهور مؤسسات تجاری تضمین‌کننده نحوه تهیه و چاپ مقاله در مجلات ISI که با پول آن را انجام می‌دهند.

۷-۲- نمایه‌سازی و تعیین ضریب تأثیر مقالات، ماهیتاً بر پایه میزان ارجاعات به آن صورت می‌پذیرد.

بنابراین صرف‌نظر از نقایص فنی این فرآیند، میزان ارجاعات بیش از آنکه شاخص تولید علم باشد می‌تواند شاخص مصرف علم نیز به حساب آید. از سوئی رتبه مرجعیت یک مقاله الزاماً به معنای کشف و تبیین علمی حقایق و واقعیات جهان خلقت نیست، زیرا ممکن است از این نظر مردود باشد. بدین معنی که ممکن است مقاله‌ای پر استناد باشد در حالیکه واقعاً و حقیقتاً گزاره علمی معتبری را در جهت افزودن به معرفت علمی رشته مربوط ارائه نکرده باشد.

لذا این شاخص در فرآیند تعیین جایگاه علمی یک دانشگاه یا یک کشور مؤثر می‌باشد ولی به عنوان شاخص تولید علم کافی نیست.

### ۳- موارد تعارض با منافع ملی کشور:

هیچ تردیدی وجود ندارد که نمایه کردن آثار علمی از جمله مقالات و مجلات، امری ضروری و مفید می‌باشد، و تردیدی وجود ندارد که اساتید و پژوهشگران ایرانی در فرآیند پژوهش و تولید علمی نسبت به دیگر کشورها از قابلیت خوبی برخوردارند، و تردیدی وجود ندارد که در فرآیند رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و کشورها از نظر نشر مقاله، مسئولین دانشگاه‌ها و مقامات سیاسی کشورها و حتی شهروندان از اینکه در یک فرآیند بررسی تطبیقی، دانشگاه یا کشورشان را در مقایسه با

دیگران در موقعیت و منزلت ژئوپلیتیکی شایسته و بالاتر ببینند خشنود و خوشحال نباشند. ولی در مورد کشورهای نظیر ایران سیاست اجبار چاپ مقاله در مجلات خارجی تا حدی با منافع ملی تعارض دارد.

آگاهی نسبت به این موضوع ممکن است مقامات سیاسی کشور و سیاستگذاران علمی ایران را وادارد تا در تله رضایت و خوشحالی اغواکننده فوق‌الذکر به قیمت لطمه بر منافع ملی اساسی تر کشور نیافتند، و با اتخاذ تدابیر مناسب هم از مزایای تبلیغی-سیاسی فوق‌الذکر و نمایش موقعیت شایسته و برتر در قیاس با دیگران بهره ببرند و هم از منافع و قدرت ملی کشور حفاظت نمایند.

موارد تعارض بشرح زیراند:

۳-۱- مقالات علمی اساتید و دانشجویان دکتری دانشگاه‌های کشور عمدتاً محصول یک فرآیند پژوهشی علمی و تحقیقاتی است. بنابراین فرض بر این است که متضمن یافته و معرفت علمی جدیدی در رشته مربوطه، و نیز نگارش قوی و با استاندارد بالا از حیث زبان انگلیسی باشند. معمولاً چنین مقالاتی مورد پذیرش مجلات علمی دارای نمایه بین‌المللی قرار می‌گیرند. زیرا اگر فاقد نوآوری علمی بوده و یا از نظر احاطه و تسلط بر زبان انگلیسی ضعیف باشند مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و رد می‌شوند، که آنگاه صاحب چنین مقاله ای بدلیل اجبار سازمانی ناچار می‌شود دست بدامان مؤسسات و مجلاتی بشود که تجارت می‌کنند و با پول مقاله چاپ می‌کنند. این امر بلحاظ حیثیتی زیبنده نمی‌باشد.

با فرض این‌که هزاران مقاله چاپ شده ایرانی‌ها در مجلات نمایه شده (در سال ۲۰۱۱ تعداد ۱۷۵۹۸ مقاله در ISI بوده است) دارای نوآوری علمی باشند، عملاً اکتشافات علمی به‌عنوان سرمایه ملی کشور به‌طور رایگان از کشور خارج می‌شود و تبدیل به سرمایه برای کشورهای ناشر مجله می‌گردد و برای آن کشور هم برن‌ساز می‌شود و هم منبع تولید قدرت اقتصادی.

بخش عمده‌ای از مجلات مزبور در کشورهای پیشرفته اروپایی و آمریکای شمالی (اصطلاحاً پیشرفته) و انگلیسی زبان قرار دارند که از طریق چاپ و نشر مجلات علمی برن‌دار و با گستره فروش جهانی برای خود تولید ثروت اقتصادی از سوئی، و اعتبار ژئوپلیتیکی در بعد علمی از سوئی دیگر می‌نمایند (مؤسسات انتشاراتی معروفی چون Black, Springer, Elsevier, Routledge, Long man, well و غیره در آنجا واقعند). این امر منعکس‌کننده فرآیند استثمار پیرامون (کشورها در حال

توسعه) توسط مرکز (کشورهای پیشرفته) در سیستم جهانی می‌باشد، که به تضعیف بیشتر کشورهای در حال توسعه و تقویت بیشتر کشورهای پیشرفته به‌ویژه از حیث قدرت نرم می‌انجامد.

هر یک از مقالات مزبور محصول فرآیند طولانی و زمانبر پژوهش (گاهی چند سال) بوده که هزینه‌های زیادی را برای کشور و ملت ایران به همراه داشته است. در واقع محصول یک پروسه سرمایه‌گذاری در کشور محسوب می‌شود که حاصل آن، گزارش پژوهش و مقاله علمی مستخرجه از آن می‌باشد. این محصول ملی که متعلق به ملت ایران است، در پرتو این سیاست اجباری با هزینه ملت، بسته‌بندی و مفت و مجانی به خارج از مرزهای کشور پرتاب می‌شود و نصیب کشورهای دیگر و حتی رقیب ایران بدون اینکه هزینه‌ای بابت آن پرداخت کرده باشند می‌گردد. علاوه بر آن برای آنها تولیدکننده ثروت و اعتبار علمی نیز می‌شود.

از سوئی دیگر مقاله مزبور از دسترس اساتید، دانشجویان و محققین ایرانی آن رشته در داخل کشور خارج می‌شود و به دلیل عدم انتشار در داخل کشور، ایرانیان به محتوی و دانش و علم تولیدی جدید آن دسترسی پیدا نمی‌کنند. در حقیقت از چیزی که با سرمایه آنها تولید شده محروم می‌شوند.

زیرا اولاً چنین مقالات علمی جدید به زبان ملی در داخل کشور منتشر نمی‌شود، ثانیاً برای دسترسی به آن، ایرانیان باید مجله انگلیسی آنرا از ناشر خارجی بخرند که هم باید هزینه بالای آنرا با ارز خارجی پرداخت نمایند و هم اینکه با توجه به وضع و سیاست ارزی کشور و تحریم چند دهساله که اخیراً تشدید شده است و بی‌اعتباری کارت‌های اعتباری بین‌المللی، عملاً استادان و دانشجویان ایرانی امکان سفارش و تهیه مجله را ندارند. ثالثاً مقاله تولید داخلی و بومی به زبان بیگانه (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، عربی، و غیره) منتشر می‌شود که با فرض دسترسی تقریباً دشوار به آن، مقاله تولید داخلی باید به زبان فارسی ترجمه شود!

با توجه به توضیحات مزبور به‌نظر می‌رسد سیاست اجبار چاپ مقالات تولید داخل در مجلات خارجی، به مراتب زیان‌بارتر از پدیده فرار مغزها برای کشور ایران است. چرا که سیاست‌های دولتی و نهادهای دولتی در این زمینه، به‌طور خودخواسته و ناشیانه سرمایه و منافع ملی کشور را تهدید نموده و از کنترل ملت ایران خارج می‌کنند و بدون بازگشت ما به ازای آن، در اختیار دیگران قرار می‌دهند و بدین ترتیب منافع ملی را ضایع می‌نمایند.

۲-۳- سیاست اجباری فوق‌تبعات اخلاقی و حیثیتی منفی برای ایران به دنبال دارد. زیرا از یکسو باعث تحقیر اساتید و دانشمندان داخلی، به دلیل اعتبارگذاری مجلات خارجی و تضعیف اعتبار مجلات داخلی که فاقد نمایه بین‌المللی هستند

می‌شود و مرجعیت علمی کشور به خارج از مرزها انتقال داده می‌شود، از سوئی دیگر چون گرفتن پذیرش چاپ مقاله در مجلات مزبور برای اساتید و دانشجویان دکتری سرنوشت‌ساز و حیاتی است این امکان وجود دارد که در مورد مقالات ضعیف‌تر و غیرقابل پذیرش رفتارهای خفت‌باری تحمیل شود (برای نمونه مؤسسات تجاری تضمینی چاپ مقاله). از طرفی دیگر تجربه نشان داده که در برخی موارد در حوزه علوم انسانی، سردبیران مجلات مزبور با رویکرد سیاسی از پذیرش مقالات علمی بی‌طرف خودداری کرده و مقالات بی‌پایه علمی ولی از نظر سیاسی انتقادی را مورد پذیرش قرار داده‌اند. سیاست مزبور در این زمینه پرستیژ ملی را تهدید کرده و آسیب‌پذیر می‌نماید.

۳-۳- معمولاً نتایج برخی از پژوهش‌های علمی و تکنولوژیک به هردلیلی ماهیت طبقه‌بندی شده و محرمانه دارند. در حالی که پژوهشگر (استاد یا دانشجو) نیاز به استخراج یک مقاله و ارسال آن به مجلات خارجی دارد. در پرتو سیاست اجبار، او ناچار به تهیه مقاله و ارسال آن برای مجلات خارجی است. اگر آنرا برای چاپ در آنها بفرستد ممکن است متهم به افشای اسرار کشور و خیانت به آن بگردد و مورد بازخواست سازمان‌های امنیتی و قضائی قرار بگیرد و اگر از چاپ آن خودداری کند، از مزایای آن محروم می‌شود و به او ستم و اجحاف می‌شود. بنابراین سیاست مزبور بخشی از جامعه علمی کشور را دچار تناقض می‌کند. اساتید و پژوهشگران شاغل در دانشگاه‌های مختلف کشور به‌ویژه دانشگاه‌های وابسته به نهادهای دفاعی، امنیتی، سیاسی و انتظامی کشور در این رابطه به این مشکل دچار می‌شوند. به‌نظر می‌رسد مسئولیت تبعات انتشار اینگونه آثار علمی متوجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سیاست‌گذاران مربوطه می‌باشد و نه پژوهشگر و استاد مجبور. سیاست اجبارسازی در این رابطه امنیت ملی کشور را آسیب‌پذیر می‌نماید.

#### ۴- پیشنهادها:

به منظور کاهش آسیب‌پذیری منافع ملی ناشی از سیاست اجبار چاپ مقاله در مجلات خارجی و نیز بهره‌مندی از مزایای تبلیغاتی و سیاسی افزایش آمار چاپ مقاله در اندیکس‌های بین‌المللی، و نیز دستیابی به موقعیت طبیعی مرجعیت علمی کشور، پیشنهادهای زیر در راستای اتخاذ سیاست‌های معقولانه و مناسب در این زمینه ارائه می‌گردد:

۴-۱- لغو سیاست اجبار و الزام چاپ مقاله در مجلات علمی خارج از کشور و تبدیل آن به سیاست تشویقی و ترغیبی با تأکید بر وجه آکادمیک و مشارکت در تولید علم و نقش آفرینی دانشمندان ایرانی در توسعه معرفت بشری.

۴-۲- تقویت جدی و توسعه فعالیت و نقش پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به مرکزیت ایران به منظور دستیابی به موقعیت هم‌تراز با مؤسسات بین‌المللی نظیر ISI و Scopus و تبدیل آن به یک مؤسسه قدرتمند جهانی و فراگیر با حوزه نفوذ جهانی و نه منطقه‌ای. (جهان اسلام یک منطقه است که می‌تواند جزو اولویت‌های آن قرار گیرد، نه اینکه مأموریت ذاتی آن به جهان اسلام محدود شود، بنابراین مأموریت ذاتی آن باید فراگیر و جهانی باشد). چنین مؤسسه‌ای می‌تواند گزارش‌های سنواتی نمایه‌سازی مقالات و سنجش علمی در مقیاس و استانداردهای جهانی را تهیه کند و خود به یک مؤسسه مرجع جهانی نظیر ISI تبدیل شود. در حالی که مقر آن در ایران باشد و با مؤسسات نمایه بین‌المللی نیز همکاری‌های متقابل و تعامل سازنده داشته باشد.

۴-۳- ایجاد ساز و کار مناسب برای چاپ نسخه فارسی مقالات انگلیسی‌ارسانی برای چاپ در مجلات خارجی، به طوری که این‌گونه مقالات بتوانند به زبان فارسی در مجلات علمی- پژوهشی داخل کشور نیز چاپ و منتشر شوند تا اساتید و دانشجویان ایرانی به تازه‌های علمی آنان دسترسی داشته باشند.

۴-۴- تقویت و استانداردسازی مجلات علمی و پژوهشی ایران به طوری که در مؤسسات نمایه‌کننده جهانی نظیر ISI نمایه و اندیکس شوند. این امر بعهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که از طریق پشتیبانی مالی و تأمین اعتبار کافی و ارائه مشاوره‌های فنی به مجلات مزبور و استانداردسازی آنان از طرق زیر اقدام کند:

۴-۴-۱- برقراری ارتباط و رایزنی با مؤسسات بین‌المللی نمایه‌کننده نظیر ISI و تعریف شاخصهای استاندارد برای نمایه کردن مجلات داخلی ایران، و ایجاد هماهنگی لازم بین مؤسسات مزبور و مجلات علمی داخلی و همچنین امضاء تفاهم‌نامه‌های لازم با مؤسسات مزبور.

۲-۴-۴- تقویت مجلات علمی انگلیسی زبان موجود داخلی و تأسیس و توسعه مجلات انگلیسی جدید در داخل کشور، و تلاش برای نمایه کردن آن در مؤسسات بین‌المللی نمایه‌کننده نظیر ISI و غیره. اینکار به افزایش مرجعیت و برند علمی ایران در جهان و نیز تولید ثروت از طریق فروش مجلات در خارج از کشور کمک می‌نماید.

۳-۴-۴- هماهنگی با مؤسسات نمایه‌کننده بین‌المللی نظیر ISI جهت لحاظ کردن مجلات علمی به زبان فارسی در فرآیند برنامه‌های نمایه‌سازی و سنجش علمی خود و تعریف و تنظیم استانداردهای مشترک و هدایت مجلات علمی - پژوهشی فارسی زبان کشور به سوی تبعیت از استانداردهای مزبور (در واقع ایجاد هماهنگی بین مؤسسات مزبور با مجلات فارسی داخلی).